نامه «سیدمحمد بحرینیان»، صنعتگر و پژوهشگر توسعه خطاب به رئیس‌جمهوری

چرا خانه خراب‌کن خود شده‌ایم و دنیا آبادکن دیگران؟

عکس: روفیه رمضانی

رئیس‌جمهور محترم!
چرا خانه خراب‌کن خود شده‌ایم و دنیا آبادکن دیگران؟

دولت فعلی یکی از «بدشانس‌ترین دولت‌های ایران، در طول بیش از یک سده گذشته از زمان تشکیل دولت‌های مدرن است. چراکه به‌ویژه پس از شروع تحریم‌ها در سال ۱۳۸۵ بسیاری از ناکارآمدی‌های شکل‌گرفته در حداقل یک سده گذشته را، قدم به قدم شفاف‌تر کرد و هرچه شرایط بیرونی توسط بسیاری از دولت‌های سلطه‌گر و سپس کشورهای تبعیت‌کننده از آنها سخت‌تر شد، اشتباه‌ها و سوءمدیریت‌ها بیشتر آشکار شد و نشان داد که بسیاری از دولت‌های کشورمان در این بازه طولانی چگونه فرصت‌های طلایی فراهم‌بوده برای پیشرفت پایدار و باکیفیت میهن‌مان را به‌راحتی از دست دادند.

این موضوع پذیرفتنی است که از سال ۱۳۹۰ شرایط تحریم سخت‌تر شد و دولت فعلی درحقیقت وارث خطاهای گذشته شد. اغراق نیست که اگر ریشه‌های بحران این دولت را ناشی از اقتصاد و ناکارآمدی سیاست‌گذاری‌ها - در بسیاری از دوره‌های حداقل یک سده گذشته- دانست. اما مگر بسیاری از تصمیم‌گیران اقتصادی این دولت نیز در دوره‌های گذشته حضور نداشتند؟ درحال‌حاضر، چالش‌های اجتماعی که بخش اعظم آن ماحصل اقتصاد ناپایدار و مشکل‌دار است، در برابر دیدگانمان قرار گرفته‌اند. بحران اقتصادی پدیده‌ای نیست که یک‌شبه ایجاد شود، بلکه نتیجه یا فرایند انباشت موانع ساختاری، سیاست‌گذاری و رفتار تصمیم‌گیران اقتصادی طی یک مدت طولانی است که خود را نشان می‌دهد. بخش زیادی از آنچه ما امروز تجربه می‌کنیم، نتیجه سال‌ها بی‌توجهی به بخش کلیدی اقتصاد، یعنی تولید صنعتی و آن هم نوع فناورانه آن است. اینکه تولید و ساختار آن در کشور چگونه باید تبیین و تعیین می‌شد که همه از آن برداشت یکسان داشته باشند، موضوعی نیست که در این مقال بررسی شود. اما حداقل دو رئیس‌جمهور اخیر قبل از انتخابات، چه به صورت شفاهی و چه به صورت کتبی، نکاتی را بیان کردند که امیدواری‌های زیادی را برای نخبگان ایجاد کرد. ولی نتایج مورد انتظار به دست نیامد. از جمله: «زمانی آمدیم کارخانه‌های تولید کفش را وارد کردیم. این کار صنعت کفش‌دوزی ما را از بین برد. حالا هم با این سیاست درهای باز کارخانه‌های ما هم در معرض تهدید هستند... نساجی ما چه وقت نابود شد، زمانی که درها را بی‌جهت باز کردند و اجازه دادند کالای بی‌ارزش و ارزان خارجی، بازار داخلی را اشباع کند... هیچ کشوری نمی‌آید این‌طور صنعت خودش را در مقابل سیل بنیان‌کن واردات رها کند. ... این چه افتخاری است که ما اجازه بدهیم کارخانه‌هایمان تعطیل بشوند و کارگرهای‌مان بی‌کار، اسمش را هم بگذاریم آزادسازی. کدام عقل سلیمی این را می‌پسندد».

براساس آمارهای رسمی کشور، در این دوره حجم عظیمی از واردات صورت‌پذیرفته که بی‌سابقه بوده است. جناب‌عالی هم قبل از انتخابات به نکاتی در کتاب «امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران» اشاره کردید که امیدوارکننده بود: «صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که بین توسعه و امنیت تعامل و رابطه‌ای متقابل وجود دارد... از جانب دیگر امنیتی، کشور را امن‌تر می‌کند و آن را در مقابله با چالش‌های بی‌ثباتی، تواناتر می‌سازد. به همین دلیل توسعه کشورها در حال توسعه، برای مقابله با چالش‌های عدیده‌ای که امنیت‌شان را تهدید می‌کند... در قیاس با کشورهای توسعه‌یافته توانایی‌های محدودتری دارند».

اکنون کشورمان را نمی‌توان توسعه‌یافته تلقی کرد و این موضوع می‌تواند نگرانی ایجاد کند. امید می‌رفت که با دیدگاه مطرح‌شده در کتاب جناب‌عالی، شاهد حرکت اصولی به وجه تولد بود و شرایط پایدار در اقتصاد کشور فراهم شود. «در عملکرد اقتصادی کشور با انبوهی از مسائل جاری و فوری روبه‌رو هستیم که باید برای هرکدام از آنها تدابیر و تمهیداتی بیندیشیم. در چارچوب دیدگاه توسعه ملی، در عین حالی که نباید قوریت این مسائل را نادیده گرفت، بایستی به گونه‌ای آنها را حل کرد که در خدمت دیدگاه درازمدت توسعه ملی نیز قرار گیرند. این درحالی است که نزدیک‌بینی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی متأسفانه جزء ذات نظام تصمیم‌گیری اقتصادی شده است و این حقیقت بسیار متأسفانه است که ریشه‌های اقتصادی ایران را طی دهه‌های گذشته بررسی می‌کنند، بسیار واضح است. این امر، پژوهشگر را به این نتیجه می‌رساند که باید ابزارهایی در نظام تصمیم‌گیری اقتصادی تعبیه کنیم تا تصمیم‌گیران نسبت به مصالح میان‌مدت و بلندمدت کشور، حساس‌تر از منابع سیاسی روزمره و کوتاه‌مدت باشند». اما شرایط و داده‌ها نشانگر چنین وضعیت امیدوارکننده‌ای نبوده و نیست، هرچند به طور حتم سه رئیس‌جمهور محترم قبلی- جناب‌عالی و رئیس‌جمهور محترم بعدی نیز اعتقاد داشته و دارید که به این اهداف برسید. حال، سؤال مورد بررسی این است که چرا نتوانسته‌ایم به شاخص‌ها و بعضاً به ارقام و داده‌های مورد پرسش‌ها؛ یقیناً نه‌تنها یک دلیل چنین وضعیتی را ایجاد نکرده است و دلایل بسیاری دارد که باید بررسی شود.

معاون اول محترم جناب‌عالی در سوم مرداد ماه ۱۴۰۰، با حضور در جمع سران عشایر و نخبگان استان خوزستان به نکته مهمی اشاره کردند: «... به‌عنوان آدمی که همه عمرم در توسعه گذشته می‌گویم، توسعه‌ای که ما خیرا کرده‌ایم متأسفانه عوارضش دارد این‌چنین نشان داده می‌شود».

مشکلاتی بی‌دربی که امروز در کشور شاهد هستیم، باید ما را به فکر وادارد که چرا با چنین وضعیتی روبه‌رو شده‌ایم؟ یک دلیل مهم آن، «درماندگی نظری» است که در این مقال به آن پرداخته نمی‌شود اما دو وجه بسیار مهم و ریشه‌ای از میان ده‌ها وجه عبارت‌اند از:

۱- مبالغه‌گویی برخی از تصمیم‌گیران اقتصادی

۲- عدم اهلیت حرفه‌ای برخی از تصمیم‌گیران

برخی از تصمیم‌گیران اقتصادی با بزرگ‌نمایی و مبالغه‌گویی درباره شبه‌دستاوردهای برگ‌شده، در تلاش برای نشان‌دادن موفقیت بی‌پایه و اساس توسط استدلال‌ها آمار یا فرمولی - چه با ربط و چی بی‌ربط - هستند که کشور کشور در بالاترین رده‌ها بود و با این رویه ناشایست با پرده حائلی، ضعف‌های اساسی که باید آحاد ملت از آن آگاهی داشته و خود را برای رفع آنها آماده کنند، می‌پوشانند و علائم غلطی را به جامعه می‌دهند. پیر بوردو، اندیشمند فرانسوی، به‌خوبی به بیان این موضوع پرداخته است: «... سیاست‌مداران نیاز دارند مثل دانشمندان عمل کنند و وارد بحث‌های علمی بشوند که مبتنی بر قرائن و شواهد متقن است. متأسفانه اکثراً عکس این روی می‌دهد، یعنی دانشمندان در ارائه توصیه‌های سیاست‌گذاری، سیاست‌زده می‌شوند و شواهد را چنان تغییر می‌دهد که با تمایلات مسئولان بخواند». گوباترین مصادیق چنین افرادی را می‌توان در صحبت‌های رهبری یافت. ایشان در ۲۵ فروردین ۱۴۰۰ فرمودند: «من در سخنرانی اول فروردین، در باب رتبه اقتصادی کشور یک آماری را عرض کردم و مطلبی را گفتم. بعد از آن چند نفر به من تذکر دادند که این آمار درست نیست؛ من به دفترمان گفتم که بررسی کنند موضوع را، بررسی کردند و معلوم شد که حرف آنها درست است. حق با آنهاست. آمار ما درست نبود و آنچه من گفتم رتبه اقتصادی هجدهم در دنیا - مربوط به چهار یا پنج سال قبل یا پنج، شش سال قبل بوده. لذا از آن کسانی که به من تذکر دادند که موجب شد این اشتباه برطرف بشود، صمیمانه تشکر می‌کنم».

حال با این نوع رویه‌ها، برخی از تصمیم‌گیران اقتصادی کشور، در درک موانع و مشکلات و درنتیجه یافتن راه‌های مناسب برای حل آنها، با پرده‌پوشی، بحران‌های بزرگ‌تر را ناخودآگاه زمینه‌سازی می‌کنند. در مراسم افتتاح طرح‌ها و پروژه‌ها به دفعات می‌توان این موارد را مشاهده کرد که در فضای مونولوگ (یک‌طرفه) کوبش‌هایی صورت می‌پذیرد که بر اثر تدبیر همه جوانب و ابهامات فراوان فنی و اقتصادی کاملاً جای پاسخ متقابل دارد. جناب‌عالی نیز درخصوص شرایط پس از جنگ و اشتباهات صورت‌گرفته در امور اجرایی به نکات بسیار مهمی اشاره کرده‌اید: «مدیران اجرایی هم بر این باور بودند که طرح‌ها و پروژه‌های مهم‌تری که مورد انتظار افکار عمومی بود، آغاز به کار کنند. بنابراین یکی از دلایل مهم تسریع در اجرای برنامه، پاسخ به افکار عمومی بوده، درواقع دولت در آن زمان، تنها به فکر رفع معضل موجود بود و به دنبال راه‌حل‌های کوتاه‌مدت و مقطعی می‌گشت. با سرریز بدهی‌های خارجی در سال‌های ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ به‌تدریج آثار سوء اخذ وام‌های بی‌مطالعه نمایان و مشخص گردید که تعهدات، بیش از ظرفیت و توان پرداختی کشور است و از برنامه عدول شده است... اما نیمه دوم سال ۱۳۷۲ و سال ۱۳۷۳ اوج مشکلات به‌جای‌های ارزی بود که به بحران ارزی تبدیل شد و در نهایت با استیصال به‌جای‌ها، موقوفا فروکش کرد، یک بار دیگر عدم آمادگی برای مقابله با مشکلات آتی در سیاست‌های دولت روشن شد».

انبوه پروژه‌ها در ۱۵ سال اخیر نشان از تکرار همان اشتباهات است. نکته بسیار مهم دیگری را در کتاب آورده‌اید: ارجمله بحث جانه‌زنی مدیران و برای برگرفتن وام و عقد قراردادها که منجر به بحران شد، آیا چنین وضعی در دولت‌های بعدی تکرار نشده است؟ طرح‌های متعدد تکراری که در مراسم افتتاح شاهد آنها هستیم، برای کارشناس مستقل سؤال‌برانگیز است و این امر می‌رود که همه جوانب و زوایای مسائل اقتصادی و توسعه‌ای برای اسرارترین تصمیم‌گیران تحلیل نشده باشد. زیرا بررسی برخی کارش‌ها و افتتاح‌های پروژه‌ها، می‌تواند ابهام‌ها و سؤال‌های بسیاری را پیش بیاورد.

در افتتاح ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۰، چند طرح پتروشیمی افتتاح شد که طرح‌هایی تکراری بود. درگزارش وزیر محترم نفت صحبتی از رتبه اول ایران در پتروشیمی جهان به میان نیامد که با این همه صحبت‌ها تأسیس شده. جمع فروش ما در جهان در چه رتبه‌ای قرار می‌گیرد؟ حسب گزارش مؤسسه معتبر ICIS از دسامبر ۲۰۱۹ میلادی، نخستین شرکت ایرانی در رتبه چهلم جهان قرار دارد، آن‌هم حدود ۱۲۰ سال پس از کشف نفت برای اولین بار در خاورمیانه در ایران. نکاه به فهرست شرکت‌هایی که پیش از ما قرار گرفته‌اند، حسرت بر دل کارشناسان کشور می‌نشاند. رویه «کوتوله‌پروری»، با استدلال‌های سست و به‌کارگیری واژه‌های بزک‌شده مانند رقابت با انحصار و فس‌علیها در بخش صنعت و سایر بخش‌های اقتصادی کشورمان که توضیح خواهم داد، رایج شده است. همچنین در آن توضیح شده که چند واحد آمونیاک با چند واحد اوره و متانول در کشور افتتاح شده یا بعدا افتتاح می‌شود؟ اما واقعیت نهفته آنکه تاکنون واحدهای فعال و در دست اجرا برای متانول ۱۹ واحد، اوره ۱۰واحد، اتیلن ۱۲ واحد، پلی‌اتیلن ۲۰ واحد، آمونیاک ۱۱ واحد و... که همه این‌گونه محصولات نیز خام‌فروشی است. آیا میزان مصرف بالای آب برای تولید این‌گونه محصولات هم بیان می‌شود که تصویر روشنی از شرایط زیست‌محیطی داشته باشیم؟ یک نمونه در کتاب شرکت ملی صنایع پتروشیمی درخصوص مجتمع‌های پتروشیمی بندرامام و بوریالیس ۱۵ مهرماه ۱۳۹۹، خواندم که هفت هزار متر مکعب در ساعت، مجوز برداشت آب از رود کارون صادر شده بود.

نکته تأمل‌برانگیز دیگر اینکه اگاهی تا ۱۰ بار از یک شرکت خارجی، دویوخ خریدن لیسانس برای یک محصول مثلاً متانول، با آمونیاک یا دیگر محصولات مطرح است که موضوعی ناشی‌آمده‌اور است. اتفاقاً سرکار خانم مشیری، شاهدایی که خود قبلاً مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی بوده‌اند و در این مراسم برای افتتاح یک واحد صنایع مشابه حضور داشتند، پیش‌ازاین چنین نظر داده بودند: «فروش نفت، گاز و فرآورده‌های بالایشگاهی در صنعت نفت با فروش تولیدات پایه در صنعت پتروشیمی ازجمله پلی‌اتیل‌ها، اوره، متانول و مواد شیمیایی با ارزش از مصادیق خام‌فروشی دانست... صنعت پتروشیمی با حدود ۴۰ درصد، بالاترین سهم را در صادرات غیرنفتی در اختیار دارد». مدیرعامل قبل‌تر از ایشان نیز در شرکت ملی صنایع پتروشیمی، در اظهارنظر کارشناسی خود اعلام کردند: «۸۰ درصد صادرات پتروشیمی کشور خام‌فروشی است. امیدوارم روزی فرا برسد که منابع هیدروکربوری هرگز خام‌فروشی نشود. درحال‌حاضر منابع ارزی مورد نیاز کشور از فروش منابع هیدروکربوری تأمین می‌شود». چنین اظهارنظرات کارشناسی، این در کشور توسعه‌یافته نه که چند واحد آمونیاک با چند واحد اوره و متانول در کشور افتتاح شده یا بعدا افتتاح می‌شود، از سوی دیگر فقته نشد تون تولیدی که به آن افتخار می‌شود، تنها حدود یک‌سوم تون تولیدی یکی از شرکت فولادی کره جنوبی است؟ یا اینکوتوله‌پروری آیا می‌توان انتظار داشت که رقابت برای بقا در سطح جهانی با این غول‌های تولیدکننده برقرار شود؟ درحال‌حاضر، چگونگی شکل‌گیری این همه واحد فولادی خود جای سؤال دارد که باسخ این پرسش را باید در گفتارهای تصمیم‌گیران ارشد اقتصادی کشور جست‌وجو کرد. برای مثال صحبت‌های اگاهی شریعتمداری، وزیر محترم اسبق صمت، عمق فاجعه را مشخص می‌کند: «۱۱۰ میلیون تن مجوز زیست کشورمان و ۶۵ میلیون تن مجوز با سرنوشت نامعلوم در زنجیره فولاد وجود دارد... تمام مسئولان بخش‌های برای تأمین زیرساخت‌های مورد نیاز خام‌فروشی، بدون مازای‌های برای افتتاحات کشور دارد. ازاین‌رو ما با ازدست‌رفتن حجوت دقیق تاکنون تعهدات تحریم نشده، هر فعالیتی در آب و خاک تولید مجدد را با حذ مجوزی، امکان بلعیدن ارز کشور ممکن است فراهم شود. حتش قابل توجهی از منابع کشور، بدون ارز نمی‌توانند به حیات خود ادامه دهند. با توجه به گزارش دریافت‌کنندگان ارز که توسط بانک مرکزی منتشر شده، ازجمله واحدی که در مراسم فوق افتتاح شد و با تکیه بر اشتغال، نکات بسیاری در کم‌بظرفیون در خلع برجیان کرده‌اند، در سه سال گذشته بیش از حدود ۲۸۰ میلیون دلار ارز استفاده کرده‌اند. حال اگر ارز تلف شده، حتش اشتغال نابابدار می‌تواند به فعالیت ادامه دهد؟ در اینجا وزیر محترم درباره‌یاره سخنی نگفتند که چگونه در طول سه سال دهه گذشته ده‌ها هزار دلار برای واردات تلفن همراه از کشور خارج شده و کاری برای کاهش وابستگی اجتماع نشده است و همچنان دستمان در مقابل اجنبی دراز است؟ همچنین ده‌ها میلیارد دلار برای واردات تلویزیون، ماشین لباسشویی، ماشین ظرفشویی، یخچال و فریزر و خودرو، حتی به صورت قدنتجی دیگران؟». شاید بتوان تا حدی از مثال دلیل، مصداقی از واقعیت نهفته مقامات ارشد تشریح و اطلاع‌رسانی می‌کنند؟ و اگر پاسخ بله است، پس چگونه چنین تصمیم‌هایی اتخاذ می‌شود که نتیجه‌اش در بلندمدت به بحران می‌رسد و اگر پاسخ خیر است، آیا شایسته است که چنین افراد در کسوت تصمیم‌گیر و مشاور قرار بگیرند؟ نمودار مبلغ‌های جدول مذکور، تصویری کامل از موقعیت تأسف‌آور و عقب‌ماندگی ما را نشان می‌دهد که به‌هیچ‌وجه با داشتن جوانان و نخبگان بسیار ارزشمند، شایسته کشور ما نیست.

از همین داده‌های رسمی بانک مرکزی، صادرات محصولات معدنی نیز بسیار تأسف‌بارتر است و نشان از تخریب محیط زیست، تحمیل هزینه‌های سنگین برای تامین زیرساخت‌های مورد نیاز خام‌فروشی، بدون مازای‌های برای افتتاحات کشور دارد. ازاین‌رو ما با ازدست‌رفتن حجوت دقیق تاکنون تعهدات تحریم نشده، هر فعالیتی در آب و خاک تولید مجدد را با حذ مجوزی، امکان بلعیدن ارز کشور ممکن است فراهم شود. حتش قابل توجهی از منابع کشور، بدون ارز نمی‌توانند به حیات خود ادامه دهند. با توجه به گزارش دریافت‌کنندگان ارز که توسط بانک مرکزی منتشر شده، ازجمله واحدی که در مراسم فوق افتتاح شد و با تکیه بر اشتغال، نکات بسیاری در کم‌بظرفیون در خلع برجیان کرده‌اند، در سه سال گذشته بیش از حدود ۲۸۰ میلیون دلار ارز استفاده کرده‌اند. حال اگر ارز تلف شده، حتش اشتغال نابابدار می‌تواند به فعالیت ادامه دهد؟ در اینجا وزیر محترم درباره‌یاره سخنی نگفتند که چگونه در طول سه سال دهه گذشته ده‌ها هزار دلار برای واردات تلفن همراه از کشور خارج شده و کاری برای کاهش وابستگی اجتماع نشده است و همچنان دستمان در مقابل اجنبی دراز است؟ همچنین ده‌ها میلیارد دلار برای واردات تلویزیون، ماشین لباسشویی، ماشین ظرفشویی، یخچال و فریزر و خودرو، حتی به صورت قدنتجی جهان را حفظ کرده‌ایم. از سوی دیگر فقته نشد تون تولیدی که به آن افتخار می‌شود، تنها حدود یک‌سوم تون تولیدی یکی از شرکت فولادی کره جنوبی است؟ یا اینکوتوله‌پروری آیا می‌توان انتظار داشت که رقابت برای بقا در سطح جهانی با این غول‌های تولیدکننده برقرار شود؟ درحال‌حاضر، چگونگی شکل‌گیری این همه واحد فولادی خود جای سؤال دارد که باسخ این پرسش را باید در گفتارهای تصمیم‌گیران ارشد اقتصادی کشور جست‌وجو کرد. برای مثال صحبت‌های اگاهی شریعتمداری، وزیر محترم اسبق صمت، عمق فاجعه را مشخص می‌کند: «۱۱۰ میلیون تن مجوز زیست کشورمان و ۶۵ میلیون تن مجوز با سرنوشت نامعلوم در زنجیره فولاد وجود دارد... تمام مسئولان بخش‌های برای تأمین زیرساخت‌های مورد نیاز خام‌فروشی، بدون مازای‌های برای افتتاحات کشور دارد. ازاین‌رو ما با ازدست‌رفتن حجوت دقیق تاکنون تعهدات تحریم نشده، هر فعالیتی در آب و خاک تولید مجدد را با حذ مجوزی، امکان بلعیدن ارز کشور ممکن است فراهم شود. حتش قابل توجهی از منابع کشور، بدون ارز نمی‌توانند به حیات خود ادامه دهند. با توجه به گزارش دریافت‌کنندگان ارز که توسط بانک مرکزی منتشر شده، ازجمله واحدی که در مراسم فوق افتتاح شد و با تکیه بر اشتغال، نکات بسیاری در کم‌بظرفیون در خلع برجیان کرده‌اند، در سه سال گذشته بیش از حدود ۲۸۰ میلیون دلار ارز استفاده کرده‌اند. حال اگر ارز تلف شده، حتش اشتغال نابابدار می‌تواند به فعالیت ادامه دهد؟ در اینجا وزیر محترم درباره‌یاره سخنی نگفتند که چگونه در طول سه سال دهه گذشته ده‌ها هزار دلار برای واردات تلفن همراه از کشور خارج شده و کاری برای کاهش وابستگی اجتماع نشده است و همچنان دستمان در مقابل اجنبی دراز است؟ همچنین ده‌ها میلیارد دلار برای واردات تلویزیون، ماشین لباسشویی، ماشین ظرفشویی، یخچال و فریزر و خودرو، حتی به صورت قدنتجی

کشورمان هدر می‌رود.

در مثالی دیگر از گزارش مرکز آمار ایران درخصوص کاودارهای صنعتی، در سال ۱۳۹۸ ارقام بسیار تاسف‌آوری را عیان کرده که تعداد کاودارهای صنعتی ۱۶هزار و ۸۳۸ واحد و با ظرفیت حدود دومیلیون و ۳۸۰ رأس گاو شیری وجود دارد. آیا رقابتی را در تأمین و عرضه شیر شده‌ایم؟ پاسخ در اینجا نیز حتما منفی است؛ چراکه هر روز با قیمت نایابدار روبه‌رو هستیم. آیا با این کوتوله‌پروری، می‌توان انتظار داشت که با وجود جواز فصل در کشور و چنین امکان بی‌نظیری برای کاوداری، امکان حضور رقابت‌پذیر را حتی در این بخش داشته باشیم؟ تصور می‌کنم هنوز گرفتار در وضعیت کشاورزی معیشتی هستیم و با این تعداد اشتغال در بخش کاوداری، به این هدف دست نخواهیم یافت.

حتی در بخش خدمات نیز با همین آشفتگی ناشی از «درماندگی نظری» روبه‌رو هستیم. براساس اطلاعات موجود پرتال سازمان هواپیمایی کشوری، بیش از ۲۰ شرکت هوایی در ایران وجود دارد، درحالی‌که در ترکیه حدود ۱۲ شرکت، هند حدود ۱۳ شرکت، مکزیک حدود ۱۱ شرکت، کره جنوبی هشت شرکت، برزیل ۹ شرکت و قس‌علیهذا. آیا با این اوصاف در کشورمان شاهد رقابتی هستیم؟ وزیر محترم راه در مصاحبه‌ای اعلام کرد که این شرکت‌ها حتی در زمان کرونا هم سود دارند. همچنین ایشان اطلاع دادند که حدود ۱۲ هزار میلیارد تومان تسهیلات ارزان در اختیار آنها قرار گرفته است. فهرست «نبض» شبکه خبر، بسیار متعهدانه و واضح نکته مهمی را بار کردند: «بر اساس قانون و آیین‌نامه یک کالایی براساس لیبلینگ (یعنی مارک‌زدن) و finished semi یعنی واردات کالای نیمه‌تمام شده، تولید داخل محسوب می‌شود. یک کالایی نیز که به صورت صددرصد در داخل انجام می‌گیرد، داخلی به شمار می‌رود. در این زمینه تخلف زیاد داریم، برخی مواد اولیه را وارد و عنوان کردند که تولید داخل است. از زمین رایگان و تسهیلات و وام استفاده می‌کنند و قیمت بیشتر -گاهی دو تا سه برابر قیمت جهانی- می‌دهند و بعد عنوان می‌کنند که ما تولیدکننده هستیم. باید جلوی این موضوع را بگیریم. ما تولیدی را داخلی می‌دانیم که حداکثر ممکن آن در داخل کشور تولید شود». این واقعیت کاملاً قابل مشاهده است. زیرا نه‌تنها تکرار واحدها را شاهدیم، بلکه متأسفانه با تکرار تولید یک دارو در چند ده شرکت از این واحدها مواجه هستیم که در داده‌های رسمی وزارت بهداشت هم قابل مشاهده است. درحالی‌که برخی از این واحدها، ادعای تأسیس در سال ۱۳۲۶ را در معرفی خود ذکر کرده‌اند، اما هنوز اندر خم تولید داروهای ساده باقی مانده‌اند. در همین برنامه نیز آقای دکتر یوسفی، نایب‌رئیس کمیسیون بهداشت و درمان وقت مجلس شورای اسلامی، مطالب درخورتوجهی را مطرح کردند: «بر اساس آمار، در حوزه سلامت آن محصولی که کالای ایرانی عنوان می‌شود، متفاوت است. برای نمونه براساس آمار حدود ۸۰ درصد دارو و تجهیزات ما به نوعی متکی به واردات است. به همین علت ما به نوعی محصول را وارد می‌کنیم و تغییرات کوچکی روی آن انجام می‌دهیم و به‌عنوان تولید داخلی ارائه می‌دهیم و براساس این رویکرد، ایسن ۸۰ درصد به ۴۰ درصد کاهش پیدا می‌کند. اما واقعیت این است که ۸۰ درصد حوزه دارو و تجهیزات به نوعی وابسته به واردات است». شرایط ناشی از کرونا، نتوانی در بازماندهی در این بخش را نیز به رخ کشید.

ناگفته نماند که این وضعیت فقط مربوط به بخش صنعت نیست. در بخش کشاورزی نیز با وضعیت ناخوشایندی روبه‌رو هستیم. در تمام کشورهای راهشده از عقب‌ماندگی که اکنون توسعه‌یافته شده‌اند، آنها نرسان می‌دهد که تعداد اشتغال کشاورزی در طول چند ده به‌شدت کاهش یافته. حتی کشاورزی ما هنوز بخش هاکما بالا تعجب‌برانگیز است. اما متأسفانه کشورمان نه نسبت سال ۱۳۳۵، یعنی بین از ۶۰ سال، در سال ۱۳۹۵ تعداد اشتغال کشاورزی ثابت مانده است. نکته در کمال تعجب افزایش هم یافته است و حتی به این افزایش اشتغال اشاره هم می‌شود! این به معنا نابودی خاک و آب کشورمان و فشار بی‌امان به منابع طبیعی است که حق نسل‌های آینده این کشور است. نتیجه آن را در شرایط حاضر کشورمان و فروشنده‌های خطرناک زمین و امثالهم کاملاً مشاهده می‌کنیم. به جدول ذیل توجه کنید.

تأسف‌برانگیزتر اینکه با وجود بیش از هشت میلیون هکتار زمین قابل کشت آبی، تراز تجاری کشاورزی کشورمان منفی است و حجم عظیمی از آب مجازی کشورمان را تحت عنوان صادرات، به خارج از کشور در قالب محصولات کم‌ارزش، ارسال می‌کنیم. همین واژه‌های برگشده بیش‌گفته در این بخش از اقتصادمان نیز مشهود است.

منطبق بر گزارش سال ۱۳۹۹ مرکز آمار ایران، درسال ۱۳۹۸ درخصوص مرغ گوشتی، دارای تعداد ۳۰ واحد و ۵۲۰ واحد مرغداری مجاز فعال و غیرفعال با ظرفیت تولید حدود ۲۱۷ میلیون قطعه مرغ گوشتی بودهایم. اما آیا رقابتی را در تأمین گوشت مورد نیاز و با قیمت کمتر و کیفیت بهتر شاهد هستیم؟ پاسخ قطعاً منفی خواهد بود. بیم آن می‌رود که محتملاً شاهد واردات مخرب باشیم. ازاین‌رو موانع بقای تولیدکننده

ادامه از صفحه اول

نمره روحانی، آزمون رئیسی!

در مروری بر آرشیو یکی از اولین تشکل‌های مستقل اقتصادی صنعتی کشور یعنی «انجمن مدیران صنایع» به نامه‌ای مربوط به «اواخر اردیبهشت ۵۹ (۱۵ ماه بعد از انقلاب) خطاب به رئیس‌جمهور وقت (ابوالحسن بنی‌صدر) برمی‌خوریم، متضمن به گزارشی درباره راه‌های مقابله با تحریم‌های آمریکا. نامه‌ای که با این عبارت در گیومه آغاز می‌شود: «زمینه پیروزی یا شکست از ابرقدرت آمریکا زمینه مسائل اقتصادی کشور است». عبارتی در مخالفت تلویحی با روش در پیش گرفته‌شده برای مقابله با این قدرت جهانی... در این نامه ضمن اعلام حمایت از آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی، از نامهربانی‌های دولت نسبت به صاحبان صنایع و بنگاه‌های اقتصادی کلایه شده و عنوان می‌شود که «ما مدیران و صاحبان صنایع کوچک و متوسط نیز داریم، تجربه داریم تا در مقابل اعمال مخرب دشمنان با سازندگی و تولید و طرح و برنامه به مقابله با خصومت‌ها برخیزیم ... مشروط بر ایجاد جو مناسب برای همکاری بین مدیریت و کارکنان و جلوگیری از درگیری‌های خاصی که مرتبا در واحدهای تولیدی پیش می‌آید و اعتماد به بخش خصوصی و کارشناسان و متخصصان و عدم دخالت‌های نابجا در اداره امور کارخانه‌ها». درواقع چند دهه نکرش تقابلی به جهان و سایه سنگین تحریم‌های ظالمانه بین‌المللی در کنار مداخلات نهادهای غیرمسئول در کار تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های ناصحیح دولت و تحمیل سیاست بر اقتصاد، عملاً اقتصاد را ناکارآمد و معیشت و کار و کسب مردم را مختل کرده و به مرز نابودی رسانده است. مؤلفه‌هایی که دولت دوازدهم در تغییر آنها به‌هیچ‌وجه موفق نبود.

۲- بیشترین تاکید آقای رئیسی در ایام انتخابات و قبل از آن، فعال‌سازی بنگاه‌های صنعتی و افزایش تولید و اشتغال آنها بوده است. به نظر می‌رسد با درس‌گیری از تجربه چهار دهه اخیر تحقق این هدف جز از طریق «تنش‌زدایی» از عرصه سیاست خارجی و نیز کاهش مداخلات مخل تولید و تجارت در پرتو نکرش غیرسیاسی به این حوزه ممکن نیست. بدون رفع تحریم‌ها و بهبود و گسترش روابط و تعاملات خارجی و حاکمیت نکرش اقتصادی، همین میزان فعالیت بنگاه‌ها هم کاهش یافته و رکود در اقتصاد عمیق و عمیق‌تر خواهد شد. «تنش‌زدایی» در روابط خارجی و بهبود روابط با غرب و شرق جهان و کشورهای پیشرفته و نهادهای بین‌المللی امکان جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری و تامین و نوسازی تجهیزات و ماشین‌آلات خط تولید و مواد خام و نیمه‌ساخته مورد نیاز صنعت و بازارهای صادراتی را فراهم می‌آورد. بدیهی است که همین شاخص در سطح بین‌المللی نیز در تعهدات ساختاری اقتصادی کشورمان تاثیرگذار است. اینکه چرا در برنامه‌های توسعه‌ای کشور این مهم نیز قرار گرفته‌اند، در مقال دیگری به آن پرداخته خواهد شد.

۳- بیشترین تاکید آقای رئیسی در ایام انتخابات و قبل از آن، فعال‌سازی بنگاه‌های صنعتی و بهبود و گسترش روابط و تعاملات خارجی و حاکمیت نکرش اقتصادی، همین میزان فعالیت بنگاه‌ها هم کاهش یافته و رکود در اقتصاد عمیق و عمیق‌تر خواهد شد. «تنش‌زدایی» در روابط خارجی و بهبود روابط با غرب و شرق جهان و کشورهای پیشرفته و نهادهای بین‌المللی امکان جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری و تامین و نوسازی تجهیزات و ماشین‌آلات خط تولید و مواد خام و نیمه‌ساخته مورد نیاز صنعت و بازارهای صادراتی را فراهم می‌آورد. بدیهی است که همین شاخص در سطح بین‌المللی نیز در تعهدات ساختاری اقتصادی کشورمان تاثیرگذار است. اینکه چرا در برنامه‌های توسعه‌ای کشور این مهم نیز قرار گرفته‌اند، در مقال دیگری به آن پرداخته خواهد شد.

ادامه از صفحه اول

خوزستان؛ نیازمند توسعه پایدار

علم و دانش توسعه هم ممکن است مثل دیگر علوم مورد سوءاستفاده نهادها و گروه‌های مختلف و به‌ویژه بیماران و صاحبان نفوذ در معرفی و تصویب طرح و پروژه‌های سودجویانه و مضر قرار گیرد چنانچه ظن قوی برای سدسازی‌های زاند با دیگر پروژه‌ها در خوزستان را نیز شامل می‌شود. اما هر جا علم بر مدار عقلانیت و صداقت با مردم به کار گرفته شده، اثرات مفید خود را نشان داده است. روشن است که «توسعه» پدیده‌ای است اقتصادی و اجتماعی که در فرایند مدرنیته ما در ایران دیرتر از دیگران به آن پرداختیم و توسعه شیری وجود دارد. آیا رقابتی را در تأمین و عرضه شیر شده‌ایم؟ پاسخ در اینجا نیز حتما منفی است؛ چراکه هر روز با قیمت نایابدار روبه‌رو هستیم. آیا با این کوتوله‌پروری، می‌توان انتظار داشت که با وجود جواز فصل در کشور و چنین امکان بی‌نظیری برای کاوداری، امکان حضور رقابت‌پذیر را حتی در این بخش داشته باشیم؟ تصور می‌کنم هنوز گرفتار در وضعیت کشاورزی معیشتی هستیم و با این تعداد اشتغال در بخش کشاورزی، به این هدف دست نخواهیم یافت.

حتی در بخش خدمات نیز با همین آشفتگی ناشی از «درماندگی نظری» روبه‌رو هستیم. براساس اطلاعات موجود پرتال سازمان هواپیمایی کشوری، بیش از ۲۰ شرکت هوایی در ایران وجود دارد، درحالی‌که در ترکیه حدود ۱۲ شرکت، هند حدود ۱۳ شرکت، مکزیک حدود ۱۱ شرکت، کره جنوبی هشت شرکت، برزیل ۹ شرکت و قس‌علیهذا. آیا با این اوصاف در کشورمان شاهد رقابتی هستیم؟ وزیر محترم راه در مصاحبه‌ای اعلام کرد که این شرکت‌ها حتی در زمان کرونا هم سود دارند. همچنین ایشان اطلاع دادند که حدود ۱۲ هزار میلیارد تومان تسهیلات ارزان در اختیار آنها قرار گرفته است. فهرست «نبض» شبکه خبر، بسیار متعهدانه و واضح نکته مهمی را بار کردند: «بر اساس قانون و آیین‌نامه یک کالایی براساس لیبلینگ (یعنی مارک‌زدن) و finished semi یعنی واردات کالای نیمه‌تمام شده، تولید داخل محسوب می‌شود. یک کالایی نیز که به صورت ص